

معرفی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور در آموزش شهرسازی (برنامه- ریزی شهری)

نینا الوندی پور^۱، مصطفی عباس زادگان^۲، معصومه سربندی فراهانی^۳

n.alvand@yahoo.com

abbasfadegan@iust.ac.ir

sarbandi.farahani@yahoo.com

چکیده

مسئله آموزش شهرسازی امروزه از اهمیت والایی در بین دست اندرکاران برخوردار است. تحولات جهانی شهرسازی در دهه های اخیر حاکی از نزدیک شدن دو گرایش آموزشی شهرسازی (برنامه ریزی و طراحی) به عنوان یک ضرورت است. اما در نظام آموزشی شهرسازی در ایران، در حال حاضر نظریاتی مطرح است که با سمت و سوی تفکیک این دو گرایش همراه می باشد لذا خلا پرداختن به موضوع «برنامه ریزی طراحی محور» با نگاهی به برنامه ریزی و طراحی شهری به صورت توأمان در فرایند آموزش شهرسازی کاملاً مشهود می باشد. بر این اساس هدف از نگارش این مقاله بکارگیری رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در فرایند آموزش شهرسازی ایران در جهت ارتقا کیفیت آموزشی این رشته می باشد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی- قیاسی- توصیفی به معرفی و بیان بنیادهای نظری رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در امر آموزش شهرسازی پرداخته و تلاش می کند با نگاهی موشکافانه، زمینه های تجلی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور را بررسی نماید. نتایج این پژوهش راهبردهایی در جهت تشخیص و سو گیری سامانه های آموزشی مربوطه و متخصصین در امر آموزش شهرسازی و پر نمودن فاصله میان برنامه ریزی و طراحی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی شهری، طراحی شهری، آموزش شهرسازی، برنامه ریزی طراحی محور.

۱- مقدمه

هر نظام آموزشی نیازمند نوعی برنامه درسی است. آموزش برنامه ریزی شهری نیز مانند هر دوره آموزشی دیگر بر اساس یک برنامه درسی انجام می شود. مسئله آموزش برنامه ریزی شهری امروزه از اهمیت والایی در بین دست اندرکاران در رشته شهرسازی برخوردار است. طبق مصوبه سال ۱۳۶۵ شورای عالی برنامه ریزی، اهداف دوره برنامه ریزی شهری به دو گروه اهداف آموزشی و اهداف پژوهشی تقسیم شده است. اهداف آموزشی دوره بدین ترتیب معرفی شده اند: تربیت نیروی انسانی مورد نیاز و خلق نیروی انسانی مورد نیاز و خلق دانش لازم برای رشد و تحول فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای کشور بخصوص مناطق کم رشد که تا کنون به اندازه کافی در جهت رشد و تحول بسیج نشده اند. تربیت افرادی که حرفه شهرسازی و برنامه ریزی شهری را با بینش های لازم از واقعیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بکار گرفته و نقش این حرفه را به گونه ای موثر در رشد و توسعه فضایی- کالبدی کشور و در تمامی سطوح آن مطرح نمایند.

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲. دکترای طراحی شهری، استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران دانشکده معماری و شهرسازی، شهر تهران، استان تهران

۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران

بر این اساس برنامه ریزی آموزشی این رشته می‌بایست به صورت یک هرم همگن و همبسته طراحی گردد. پایه هرم را می‌توان به آموزش جامع و عمومی اختصاص داد. در این مرحله برنامه و مواد آموزشی باید به گونه ای تنظیم گردند که از سویی دانشجویان را با مسائل و نیازهای توسعه ای جامعه و مبانی اساسی علوم و تکنولوژی آشنا کند و از سوی دیگر او را برای بهره گیری بهتر و بیشتر از آموزش های تخصصی که در رأس هرم قرار دارد، آماده سازد. بر این اساس و با توجه به تغییرات اساسی و رویکرد های جدیدی که در چند دهه گذشته در این حوزه از علم صورت گرفته است، ارتقا کیفیت آموزش این رشته متناسب با رویکردهای جدید ضروری به نظر می‌رسد.

در حوزه آموزش دروس شهرسازی (برنامه ریزی شهری و طراحی شهری) در ایران، در حال حاضر نظریاتی مطرح است که با سمت و سوی تفکیک هرچه بیشتر این دو گرایش همراه می‌باشد لذا خلا پرداختن به موضوع «برنامه ریزی طراحی محور» با نگاهی به برنامه‌ریزی و طراحی شهری به صورت توأمان در فرایند آموزش شهرسازی (برنامه ریزی شهری و طراحی شهری) کاملاً احساس می‌شود. مقاله حاضر تلاش می‌کند با نگاهی موشکافانه، زمینه های تجلی رویکرد آموزشی برنامه‌ریزی طراحی محور را در رشته برنامه ریزی شهری بررسی نماید.

مهم‌ترین هدف در آموزش شهرسازی تربیت شهرسازانی است که موفق به تهیه برنامه‌های شهری به منظور خلق محیط‌های انسانی با کیفیت بالا شوند، که این امر تنها با آموزش برنامه‌ریزی صرف یا فقط طراحی شهری تحقق پیدا نمی‌کند و نیل به آن نیازمند ابزاری برای آشتی دادن این دو بال شهر سازی حرفه ای است؛ لذا چنین به نظر می‌رسد که پهنه‌های شهری علاوه بر نیاز به برنامه‌ریزی، نیازمند هدایت و کنترل از طریق ابزارهای طراحی شهری نیز می‌باشند (گلکار، ۱۳۸۱: ۵). در این میان بین دو رشته برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در امر آموزش شهرسازی فاصله وجود دارد و بر همین اساس بنا به نظر بعضی از حرفه‌مندان و دانشگاهیان مرتبط با هردو گرایش مانند کرمونا رویکردی میانی باید این فاصله را پر کند (Carmona; et. all, 2002: 40). این رویکرد میانی همان رویکرد طراحی محور در برنامه ریزی شهری است.

۲- تاریخچه

تا اواخر دهه ۱۹۲۰، آموزش برنامه ریزی شهری در جهان بسیار محدود بوده و از طریق دفاتر حرفه ای برنامه ریزی انجام می‌گرفت است. نخستین دانشگاه رسمی برای این رشته، در سال ۱۹۰۹ تشکیل شده و پس از آن نیز دروس معدود و جداگانه ای ارائه می‌شد. تنها در سال ۱۹۲۳ بود که برنامه ریزی شهری به عنوان یک رشته در مقطع کارشناسی ارشد در یک دانشکده از دانشگاه هاروارد تاسیس شد (Perloff, 1957: 11).

برنامه ریزی به عنوان یک حرفه در حال شکل گیری که در جستجوی جایگاهی در ساختار بروکراتیک قدرت دولت بود، با تاسیس بخش‌های مختلف در خدمات دولتی و توسعه دوره های دانشگاهی تحت نظارت بدنه حرفه ای با قدرت ارزیابی اعتبار این دوره‌ها همراه بوده است. نهادینه شدن فعالیت برنامه ریزی در طول دهه های متوالی قرن بیستم که به آسانی و بدون درگیری نیز انجام نشده است، ادعایی را با خود به همراه آورد مبنی بر اینکه برنامه ریزی یک فعالیت مشخص بر پایه دانشی یکتا و مجموعه ای از مهارت‌های تکنیکی می‌باشد. در فرآیند شکل گیری حرفه، نقشی کلیدی توسط سازمان‌های حرفه ای برای برنامه ریزی تعریف شد که بر آموزش همسان برنامه ریزان شامل فهرست یکسانی از مهارت‌ها اصرار می‌ورزید. الگوی مسلط آموزش حرفه ای، اوج گیری و نهادینه شدن برنامه ریزی مدرنیستی را در آمریکای شمالی، بریتانیا و استرالیا همراهی نمود؛ الگویی که بر تلقین فرهنگ بروکراتیک حرفه ای برنامه ریزی و محصولی استاندارد با سنجه مهارت‌های بازاری تاکید داشت. در این الگوی حرفه ای، مهارت با مقدار دانش دریافت شده (سال‌های تحصیل، تعداد دروس مطالعه شده و ...) ارتباط پیدا می‌کند (Sandercock, 1999).

امروزه پس از گذشت سال‌ها، با پذیرفتن تغییر شرایط اجتماعی، تاریخی که بستر حرفه می‌باشند، ایده های برنامه ریزی و نقش برنامه ریز دچار تغییرات و بازبینی‌های اساسی شده است. در دانشگاه و بازار کار، برنامه ریزان خود را در رقابت تنگاتنگ با افراد حرفه ای از رشته های دیگر می‌بینند و ناچارند تعریف مجددی از خود ارائه دهند. همچنین به دلیل کاهش نقش دولت‌ها، حوزه کاری برنامه ریزان نیز از بخش دولتی به بخش خصوصی و مشارکتی کشیده شده است. همچنین مقیاس اقتصاد از ملی به جهانی تبدیل شده و تنوع فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است و شهرها به حوزه های شهری کاملاً متفاوتی تبدیل شده‌اند (Friedmann, 1996: 89-90).

اما آموزش برنامه ریزی شهری در ایران با عنوان شهرسازی، نخستین بار در سال ۱۳۴۴ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاسیس گردید و در تجدید نظر سال ۱۳۵۱-۱۳۵۰ به سه شاخه برنامه ریزی شهری، طراحی شهری و برنامه ریزی منطقه ای تقسیم شد. پس از آن در سال ۱۳۵۶-۵۷ رشته برنامه ریزی شهری و منطقه ای در دانشگاه شهید بهشتی و سپس در طول زمان در چندین دانشگاه دیگر تاسیس گردید. لازم

به ذکر است طبق مصوبه شورای برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۸۷/۱۲/۲۱ برنامه ریزی شهری و منطقه ای به دو گرایش برنامه ریزی شهری و برنامه ریزی منطقه ای تفکیک گردید و هم اکنون گرایش برنامه ریزی شهری به صورت گرایشی جدا از برنامه ریزی منطقه ای در دانشگاه های کشور تدریس می شود.

۳- بررسی برنامه ها و رویکردهای جهانی در خصوص برنامه ریزی شهری

به نظر می رسد آنچه که در گزارش جهانی سازمان ملل بیشتر از بقیه موارد بر آن تأکید می شود تغییر رویکردها و تعریف نوین از برنامه ریزی شهری در سطح جهانی و محلی می باشد. تغییرات در سیستم های دولتی و اقتصادی، ماهیت جوامع، چالش های محیطی، همگی بر فرایند های رشد شهری و شهرنشینی و تحولات فضایی، اجتماعی در سکونتگاه های شهری تأثیر گذار بوده است.

برنامه ریزی شهری جدید در اواخر قرن نوزدهم به عنوان پاسخی به رشد و آلودگی سریع شهری در اروپای غربی که نتیجه انقلاب صنعتی بود، ظهور کرد. پذیرش برنامه ریزی شهری در این بخش از جهان به عنوان عملکرد دولت می تواند به ظهور مداخله گرایی مدرن دولت^۱ نسبت داده شود. همچنین بینش های شهری بوسیله پیشگامان اولیه برنامه ریزی شهری در اروپای غربی و آمریکا در اواخر قرن نوزدهم جهت تغییر در اهداف و شکل های برنامه ریزی شهری ارائه شد که به نوبه خود جهش قابل ملاحظه ای در قرن بیستم نشان داد.

از این رو برنامه ریزی به عنوان یک فعالیت فنی در برنامه ریزی فیزیکی و طراحی سکونتگاه های انسانی دیده شد و این برنامه ریزی همراه با ماهیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود که در خارج از حوزه برنامه ریزی قرار داشت. برنامه ریزی شامل تولید برنامه های جامع و فنی بود که شهرها را به عنوان فرم های غیر قابل تغییر و انعطاف ناپذیر نشان می داد. بطوریکه ابزار مشروع برای بکارگیری این بینش ها برنامه های منطقه بندی کاربری اراضی بود.

اما امروزه، مناطق شهری به مراتب پیچیده تر شده اند و تغییرات سریعی در شهرها به وقوع می پیوندد که نتیجه نیروهای محلی و جهانی است که خارج از کنترل برنامه های محلی و برنامه ریزان است. همچنین شکاف بزرگی بین سیستم های برنامه ریزی غالب و ماهیت شهرهای قرن بیستم وجود دارد؛ در حالی که بر شکل های قدیمی برنامه ریزی شهری در بسیاری از کشورها پافشاری می شود.

۳-۱- رویکردهای جدید برنامه ریزی شهری

به جرات می توان گفت شهرسازی قرن بیستم را از جنبه های عملی و اجرایی، مدرنیسم شکل داده و بیشترین ضربه را بر محیط زیست وارد آورده است. بر این اساس، دستور جدید محیط زیست مبتنی بر توسعه پایدار، یک فرصت استثنایی برای برنامه ریزان در کسب رقابت در مدیریت محیط زیست به وجود آورده است. بنابراین باید یک دریچه سیاسی پایدار برای برنامه ریزان شهری حرفه ای گشوده شود. برنامه ریزان حرفه ای شهری باید به عنوان «شبه قاضی»، «ارائه دهنده روش های بدیع» «وضع کننده قوانین مناسب» «رهبری و مدیریت محیط زیست» «شغل آفرین» و «ایجاد کننده رفاه» باشند. برنامه ریزان باید یک فضای فرهنگی خلق نمایند تا در گفتگوها، صحبت ها شنیده شود و در حمایت از توسعه پایدار و پایداری، ضمن رعایت نظریه اخلاقی، به سیاست کاربری اراضی مناسب دست یازند (Mazza, 1996: pp.15-30).

از سوی دیگر تجربه نشان داده است که مهم ترین هدف طرح های شهری کیفیت بخشی به شهر است. که تنها با ابزار برنامه ریزی تحقق پیدا نمی کند و برای نیل به آن نیازمند ابزار طراحی شهری است؛ لذا چنین به نظر می رسد که پهنه های شهری علاوه بر نیاز به برنامه ریزی، نیازمند هدایت و کنترل از طریق ابزارهای طراحی شهری نیز می باشند. برنامه ریزی شهری، مسئول اصلی هدایت شهر و تامین عملکردها و کارکردهای آن است. از سوی دیگر طراحی شهری با موضوع تغییر محیط طبیعی درگیر است و در پی آن است که کیفیت محیط مصنوع را ارتقا دهد؛ لذا طراحی شهری که به طور گسترده با محیط مصنوع سر و کار دارد، نیازمند به برخورد عقلایی با محیط طبیعی است و حفظ آن را اصل تلقی می کند. در این میان بین دو حیطه برنامه ریزی شهری و طراحی شهری فاصله وجود دارد، و به گفته ی کرمونا رویکردی میانی طلب می شود.

لذا حل بخشی از این مسائل، نیازمند توجه به تشکیلات تخصصی، ساختار آموزشی و برنامه های اجرایی مناسب دارد تا افرادی برای این رشته آماده شوند و حلقه اتصال میان توسعه پایدار و حرفه برنامه ریزی شهری برقرار گردد. در واقع برنامه ریزان باید در راستای اصول و چارچوب

¹ Modern Intervention of State

برنامه ریزی محیطی و توسعه پایدار حرکت نمایند. سیستم برنامه ریزی کاربری فعلی باید دگرگون شود و اصول و سیاست‌های برنامه ریزی کاربری اراضی از سطح جهانی به منطقه ای و محلی تعمیم داده شود. نقش دولت‌ها و مشارکت‌های مردمی در این حرکت‌ها قابل توجه است؛ به نحوی که موانع ایدئولوژیکی هم در این ارتباط باید برطرف گردد (Owen, 1994: 139).

در طی چند دهه اخیر، رویکردهای جدید که به دنبال شناسایی مشکلات سیستم‌های برنامه ریزی جامع سنتی هستند، ظهور کرده‌اند. این رویکردها دارای مولفه‌های مشترک زیر می‌باشند:

ارجحیت استراتژی بر جامع بودن؛ ارجحیت انعطاف پذیری بر عدم انعطاف؛ تمایل به عمل و اجرا؛ ذینفعان جامعه؛ انعکاس دغدغه‌های شهری؛ بازی کردن نقش همگرایی؛ تأکید بر فرایند برنامه ریزی.

بر این اساس رویکردهای جدید در ۵ گروه زیر دسته بندی می‌شوند:

- برنامه ریز طراحی محور^۱
- برنامه ریزی فضایی استراتژیک^۲
- برنامه ریزی فضایی جهت اختلاط عملکردهای بخش دولتی یا عمومی^۳
- رویکردهای جدید مدیریت و تنظیم زمین^۴
- فرایندهای مشارکتی و همکاری^۵

۴- برنامه درسی موجود

این دوره با ۳۸ واحد درس اصلی در قالب دو سال و شش ماه بر اساس مصوبه وزارت علوم، برنامه ریزی شده است. البته شایان ذکر است که در دو دانشگاه علم و صنعت و علامه تعداد واحدها ۳۲ و احد و در قالب دوره ۴ ساله می‌باشد.

جدول شماره ۱: مقایسه تعداد واحدهای دروس اصلی رشته برنامه ریزی شهری در تعدادی از دانشگاه‌های داخل کشور

نام درس	مصوبه وزارت علوم	دانشگاه علم و صنعت	دانشگاه علامه	دانشگاه تهران
نظریه‌های برنامه ریزی شهری	۳	۳	۳	۳
روش‌های برنامه ریزی شهری	۳	۳	۳	۳
برنامه ریزی کاربری زمین	۲	۲	۲	۲
برنامه ریزی حمل و نقل شهری	۲	۲	۲	۲
سیر اندیشه‌های شهرسازی	۲	۲	۲	۲
برنامه ریزی مسکن	۲	۲	۲	۲
کارگاه برنامه ریزی شهری (۱)	۲	۳	۳	۲
کارگاه برنامه ریزی شهری (۲)	۳	۳	۳	۳
سمینار	۳	۲	۲	۳
بهسازی و نوسازی شهری	۲	۲	۲	۲
حقوق شهری	۲	-	-	۲
سمینار مسائل شهری	۲	-	-	۲
مبانی برنامه ریزی و طراحی محیط شهری	۲	-	-	۲

¹ Design led Planning

² Strategic Spatial Planning

Spatial planning to Government or Public Sector Functions Integrate

New Approaches to Land Regularization and Management

Participatory and Partnership Processes

۲	-	۲	۲	مدیریت شهری
۶	۴	۶	۶	پایان نامه
۳۸	۳۲	۳۲	۳۸	جمع واحدهای اصلی

۴-۱- کاستی‌های برنامه درسی موجود

همان طور که در بخش تاریخچه نیز مورد اشاره قرار گرفت بیش از ۴۰ سال از سابقه رشته برنامه ریزی در ایران می‌گذرد. اما با این وجود در دهه‌ی اخیر گزارش‌ها حاکی از انتقاد شدید متخصصان و حتی شهروندان از پایین بودن کیفیت عرصه‌های شهری و توسعه شهری در شهرهای ایران می‌باشد. در کنفرانس و نشست‌های شهرسازی برگزار شده در حیطه‌های مختلف، متخصصین امر همگی به ابراز تاسف از کیفیت پایین عرصه‌های عمومی شهری و محلی پرداخته‌اند. که شاید یکی از علل این امر عدم همسویی طراحی شهری و برنامه ریزی شهری می‌باشد. زیرا اگرچه همان طور که در بالا اشاره شد طراحی شهری به عنوان سطح میانی برنامه ریزی شهری و معماری تلقی شده است و مفصل بین این دو رشته اما از سوی دیگر نمی‌توان ارتباط قوی بین طراحی و برنامه ریزی و نقش هر دو و همزمان آن‌ها را در بهبود محیط شهری انکار کرد. حتی با وجود تاسیس رشته طراحی شهری در سال ۱۳۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی و پس از آن در دانشگاه‌های چون علم و صنعت و ... و حتی هرچه پررنگ‌تر شدن نقش طراحی همچنان خلا موجود بین این دو رشته احساس می‌شود.

اصطلاح «طراحی شهری» در ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ ابداع شد؛ و این درست همزمان با دوره‌ای بود که برنامه ریزی شهری در حال تحول و دور شدن از تغییرات صرفاً فیزیکی عرصه‌های شهری به سمت تمرکز بر جنبه‌های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی توسعه می‌بود. معماران و معماران منظر به دنبال پر کردن خلا ناشی از این تغییر بودند. به همین علت دوره‌های علمی در حوزه طراحی شهری ایجاد شد. در سال‌های پس از آن نیز، بیشتر جنبه فیزیکی توسعه شهری به تدریج تحت عنوان رشته‌ای با نام «طراحی شهری»، به ویژه در بریتانیا جایگزین شد. طراحی شهری در حال حاضر سطح میانی بین معماری، برنامه ریزی شهری و معماری منظر در نظر گرفته شده است. در این میانه رشته طراحی شهری هرچه بیشتر موجبات گسترش توجه معماری را از خلق ساختمان‌های منفرد و برنامه ریزی را از توجه به برنامه‌های پهنه بندی و یا توجه صرف به ساختار شهری به سوی اهمیت کیفیت عرصه‌های عمومی سوق داده است (The Mayor's Institute on City Design in New York, 2002:100).

بر این اساس و بر مبنای مشاهدات کارشناسی نگارندگان در وضعیت کنونی فاصله بین دو رشته طراحی شهری و برنامه ریزی شهری در نظام برنامه‌سازی ایران بسیار زیاد می‌باشد. اما در صورتی که طراحی شهری با مشارکت و فعالیت حرفه برنامه ریزی همراه باشد می‌تواند به میزان قابل توجهی موجبات تقویت کیفیت عرصه‌های شهری و توسعه شهری را فراهم نماید. خوشبختانه اغلب متخصصین شهری در ایران به نقش حیاتی هر یک از این دو رشته پی برده‌اند و معتقداند که حذف هر یک از آن‌ها در نهایت به عدم موفقیت عرصه‌های شهر منجر خواهد. لذا ارائه فرایندی در آموزش برنامه ریزی شهری که طراحی شهری را با خود همراه داشته باشد و کنترل کننده و هماهنگ کننده اقدامات طراحی شهری در سطوح پایین‌تر باشد، می‌تواند بخشی از مشکلاتی که مانع اقدامات طراحانه برای ارتقا کیفیت فضاهای شهری است را حل نماید. این ضرورت پس از سال‌های دهه ۹۰ و بعد از طرح‌های راهبردی و ساختاری در انگلستان درک شد و در پی آن فرایندی در برنامه ریزی شهری تدوین شد که در آن سعی شد تا در برنامه ریزی جنبه کالبدی محیط نیز مورد توجه قرار گیرد و طرح ریزی کالبدی با هدف ارتقا کیفیت محیط‌های شهری صورت پذیرد (DETR & CABE, 2004:35).

از این رو و از آنجایی که شاکله هر نظام آموزشی به برنامه‌های درسی پر محتوا استوار است لذا ورود عنوان درسی با نام برنامه‌ریزی طراحی محور و برای آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان با نحوه همکاری مابین برنامه‌ریزی و طراحی شهری امری ضروری می‌نماید.

۵- نگرش‌های اساسی بین‌المللی در خصوص دوره

با توجه به توضیحات ارایه شده در بندهای پیشین با وجود تمامی تغییرات حاصل شده در جهان از دهه ۱۹۸۰ آموزش برنامه ریزی در ایران همچنان به باز تولید الگوهای قدیمی خود ادامه می‌دهد. این درحالی‌که است که دوره دانش عمومی به همراه یک تخصص به سر آمده

است و این عبارت قدیمی باید کمی جابجا شود. بزرگ‌ترین هدف آموزش برنامه ریزی باید تربیت یک استاد متخصص با دانشی پایه در مورد زیستگاه‌های شهری و پویا شناسی آن‌ها و مجهز به مهارت‌ها، روش‌ها و رهیافت‌های معمول برنامه ریزی باشد (Friedmann, 1996: 90). یکی از اهداف اولیه برنامه ریزی، هماهنگی فعالیت‌های مجزا می‌باشد و برای این کار برنامه ریز باید دانش عمومی از اجزای متعدد اجتماعات داشته باشد. به علاوه اجتماع شهری مجموعه ای است از اجزای مرتبط که در مورد چگونگی این ارتباط اطلاعات کمی موجود است و دانش مورد نیاز برنامه ریزان جدید لازم می‌دارد که گروه‌هایی متشکل از افراد متبحر در فلسفه، کار اجتماعی، حقوق، علوم اجتماعی و طراحی شهری مشمول حرفه برنامه ریزی شوند. لزومی ندارد هر برنامه ریز در تمامی این دوره‌ها صاحب دانش باشد؛ بلکه لازم است در یک یا چند حوزه درک عمیق داشته باشد (Daridoff, 1965).

بر این اساس در مطالعات صورت گرفته در متون معتبر جهانی، پیشنهادات متفاوتی برای پاسخ به چالش پیشروی نظام آموزش برنامه ریزی شهری در ایران مطرح شده است که از میان آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فریدمن معتقد است که حوزه محتوایی برنامه ریزی در تقاطع شش فرآیند اجتماعی، فضایی که در ترکیب با یکدیگر زیستگاه شهری را شکل می‌دهند، قرار دارد. این شش فرآیند عبارتند از: مجموعه فرآیندهای شهرنشینی، فرآیندهای تغییرات و رشد اقتصاد منطقه ای (یا بین منطقه ای)، فرآیندهای ساخت شهر، تغییرات و تفاوت‌های فرهنگی، تحول طبیعت، توانمندسازی و سیاست ورزی شهری. از سوی دیگر علاوه بر دانش پایه در مورد زیستگاه شهری، برنامه ریزان می‌بایست دانش تخصصی داشته باشند که به مسائل برخاسته از پویا شناسی زیستگاه‌های شهری پاسخ دهد. هر دانش تخصصی باید حداقل ابعاد شش‌گانه زیر را در بر بگیرد:

- منظر تاریخی تخصص، تحولات، مکاتب فکری و پیشکسوتان آن؛
- اقتصاد سیاسی و موسساتی که سیاست‌های مربوطه از طریق آن‌ها عمل می‌کند؛
- دانش انتقادی و دقیقی در مورد تئوری‌ها و مباحث فعلی تخصص مربوطه؛
- پارادایم‌های تحقیق مسلط؛
- آشنایی با روش‌ها و الگوهای استاندارد تحلیل در این تخصص؛

کارورزی با تمرکز بر تخصص مورد نظر و در همکاری با دیگر تخصص‌های غالب برنامه ریزی (Friedmann, 1996: 96-98).
به عنوان نمونه این حوزه های تخصصی می‌توان از کاربری زمین، توسعه اجتماعات، طراحی/برنامه ریزی سایت، مسکن، توسعه پایدار، محیط زیست و ... نام برد (Planning Education for the 21st Century, 1997).

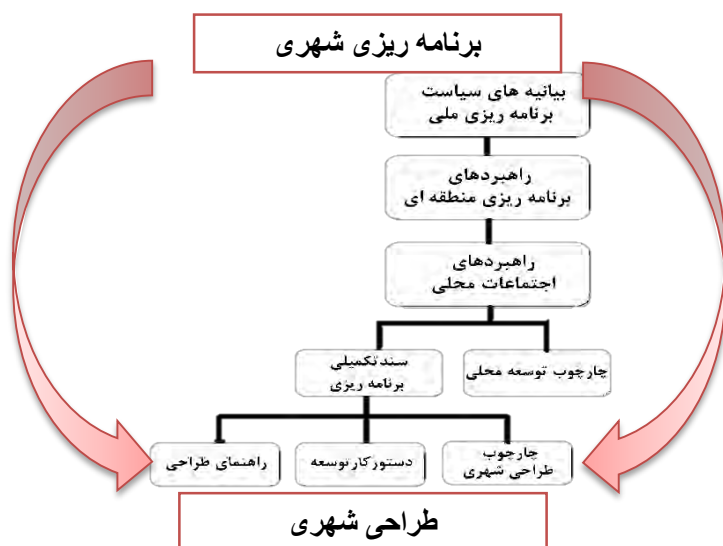
در پیشنهاد دیگری، لزوم جایگزینی تکنیک‌ها و مهارت‌ها را توسط دانش بیان و نیز پنج حوزه دانش را با عنوان TAME مطرح کرده است و معتقد می‌باشد برنامه ریزان باید مجهز به این دانش‌ها باشند: دانش تکنیکی، تحلیلی، چند فرهنگی، زیست محیطی و طراحی (Sandercock, 1999).

در طرح دیگری از خانم سیمین داوودی، سه جزء اصلی برای برنامه ریزی عنوان شده است:

- تحقیق شامل مشاهده، جمع آوری و کار با داده‌ها، تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌ها، مهارت مکانیکی و تحلیلی متفکرانه اطلاعات؛
- تعامل شامل حل مشکلات با حس اخلاقی و مسئولیت پذیری، تعامل و تفکر با مردم، ملاقات و مناظره، قانع و مذاکره کردن و تفاهم سازی، مهارت بین فردی و اجتماعی؛
- مداخله شامل بهبود شرایط مردم و مکان، تصمیم‌گیری، ایجاد تغییر، مداخله و مهارت بین فردی و اجتماعی (Davoudi, 2000).

۶- رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در آموزش و عمل برنامه ریزی شهری

همان‌طور که در مباحث پیشین بالا گردید برنامه ریزی طراحی محور حاصل ورود مباحث کیفی در امر برنامه ریزی راهبردی و ورود مباحث کنترل و هدایت توسعه در اسناد طراحی شهری سیاست‌گرا می‌باشد (عباسزادگان و رضوی، ۱۳۸۵: ۱۷). این دو موضوع در اسناد تکمیلی برنامه ریزی و طراحی شهری باهم تلاقی کرده و اسنادی چون چارچوب طراحی شهری، دستور کار توسعه و راهنمای طراحی را پدید می‌آورند. رویکرد برنامه ریزی طراحی محور باید به عنوان رویکردی عام در تمام مراحل نظام برنامه ریزی و طراحی شهری حضور داشته باشد. در نظام برنامه ریزی تاثیر این رویکرد از مقیاس کلان تا خرد متفاوت است و هرچه به مقیاس محلی نزدیک‌تر می‌شود قدرت و تاثیر این رویکرد بیشتر و پررنگ‌تر احساس می‌شود. نمودار شماره ۱ ارتباط نظام‌های برنامه ریزی و طراحی شهری و رویکرد برنامه ریزی طراحی محور را تبیین می‌کند.



نمودار (۱): رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در ارتباط با نظام های برنامه ریزی و طراحی شهری جهت بهره گیری در آموزش شهر سازی

پس از تحولاتی که در دهه های اخیر در برنامه ریزی و طراحی شهری رخ داده است و همچنین تاثیر و تاثراتی که شرایط بیرونی در نزدیک شدن این دو حوزه از دانش به یکدیگر داشتند، این رویکرد در آستانه قرن ۲۱ مطرح شد (Madanipour, 2003:21). برنامه آموزشی طراحی محور برای پر کردن خلا ناشی از فاصله میان دو رشته، یک دوره آموزشی دو ساله بر مبنای الگوی مفهومی برنامه ریزی طراحی محور را پیشنهاد می نماید. این برنامه چارچوب اساسی برای دانشجویان برنامه ریزی شهری است که علاقه مند به تخصص میان رشته ای با طراحی شهری به عنوان جز جدایی ناپذیر از یکدیگر می باشد.

الگوی مفهومی طراحی محور در برنامه ریزی شهری، درصدد ارتقا استانداردهای توسعه شهری است و این هدف را با تقویت فرایند طرح ریزی کیفیت فضاهای شهر ممکن می سازد. در این رویکرد مطلوبیت کیفیت فضا از اهمیت بسزایی برخوردار است. همچنین از مهم ترین ویژگی های رویکرد برنامه ریزی طراحی محور تعیین اهداف و معیارهای طراحی می باشد؛ که این اهداف و معیارها در تهیه و تصویب طرح ها مدنظر قرار گرفته و قابلیت مطرح شدن در مقیاس های کلان را نیز دارا می باشد. رویکرد طراحی محور در برنامه ریزی شهری، ابزاری تعیین کننده در امر کنترل توسعه می باشد و به ارزیابی از شرایط و اولویت ها می پردازد. به طور خلاصه اصول برنامه ریزی طراحی محور را می توان در توجه به نکات زیر خلاصه کرد (Perfect, 1997:72).

- استوار بودن بر اهداف عملکردی
- انعطاف پذیری ضوابط و مقررات
- درک اهمیت عرصه های عمومی
- توجه به تراکم و اختلاط کاربری
- اهمیت مطلوبیت کیفیت فضایی

۶-۱- پیشینه برنامه ریزی طراحی محور جهت بهره گیری در آموزش شهرسازی

در چند دهه اخیر تحت تاثیر تحولات فکری و اجتماعی از یک سو و تحولات برنامه ریزی شهری از سوی دیگر، دیدگاه ها و نظریات جدیدی در زمینه طراحی شهری و توجه به کیفیت محیطی مطرح شده است. یکی از گرایش های شهرسازی جدید در غرب این است که برخلاف گذشته سعی می شود اقدامات مربوط به برنامه ریزی شهری و طراحی شهری در یکدیگر ادغام شده و به عنوان فرایندی یگانه و هماهنگ در نظر گرفته شود. به نظر برخی کارشناسان از جمله متیو کرمونا این رویکرد جدید حاصل ورود مجموعه ای از تفکرات و نظرات شهرسازانه در ارتباط با مباحث کیفی در امر برنامه ریزی شهری و نزدیکی برنامه ریزی و طراحی شهری می باشد. محورهای عمده این تفکرات و نظرات (منشور آن- باغ شهرها-

شهرهای جدید- بازتاب تفکرات پسامدرن در برنامه ریزی و طراحی شهری- مفهوم جامعه‌ی مدنی- اصول توسعه پایدار)، به طور کلی بر پایه دوری از توسعه و عمران صرفاً اقتصادی و کالبدی و توجه بیشتر به ارزش‌های کیفی و اجتماعی در توسعه شهری بوده و میزان دخالت و مشارکت شهروندان در سازماندهی محیط زندگی را افزایش می‌دهد. این وضع ضرورتاً با تأکید بیشتر بر نقش «طراحی شهری» همراه بوده و طراحی شهری بنا به ماهیت خود، ارتباط نزدیک‌تری با ابعاد کیفی و فرهنگی محیط دارد (گلکار، ۱۳۸۱: ۸).

در همین راستا و به طور خلاصه در طول سال‌های ۱۹۶۰، موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخ‌گویی به مسائل و پروژه‌های مشخصی مطرح شد. در طول دهه ۷۰، اهداف طراحی شهری ضمن سیاست‌های عمومی برنامه ریزی گنجانده شد و در طول دهه ۱۹۸۰، ملاحظات طراحی شهری به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه ریزی مورد پذیرش قرار گرفت (Culling Worth, 1999: 19).

با توجه به این نکته که هدف نهایی هر نوع برنامه ریزی و طراحی شهری کمک به اعتلای کیفیت زندگی در راستای توسعه پایدار، رفاه و عدالت اجتماعی است، برنامه ریزان و طراحان شهری دریافته‌اند که برای تحقق این هدف وجود رویکردی میانی ضروری است. از این نظر برنامه ریزی شهری به عنوان یک دانش میان رشته‌ای، روز به روز به اهداف طراحی شهری نزدیک‌تر می‌شود و طراحی شهری نیز به عنوان یک دانش میان رشته‌ای به طور فزاینده‌ای به سمت هماهنگی و همگامی با برنامه ریزی پیش می‌رود. در این رویکرد جدید گاهی از طراحی شهری به عنوان بخش جداناپذیر از فرایند برنامه ریزی شهری و گاهی به عنوان یک بعد از برنامه ریزی یاد می‌شود.

شایان ذکر است که جعبه ابزار برنامه ریزی طراحی محور از یک سری ابزار طراحی محور و سیاست‌گرا در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای و محلی چون راهبرد اجتماعات محلی^۱، چهارچوب توسعه محلی^۲ و اسناد تکمیلی برنامه سازی (نظیر چارچوب طراحی شهری، دستور کار توسعه و راهنمای طراحی شهری) تشکیل شده است. که به منظور استفاده این ابزار در نظام شهرسازی، هم‌سویی هرچه بیشتر این دو رشته در سیستم آموزشی برنامه ریزی شهری الزامی می‌باشد (Carmona; et. all, 2006: 15).

۷- پیشنهاد و نتیجه گیری

انقلاب علمی در دو دانش طراحی شهری و برنامه ریزی شهری و بسط تفکر کیفیت‌گرایی نیاز به تجدید نظر در برنامه آموزشی رشته شهرسازی را ایجاد کرده است. این امر، تغییرات به وقوع پیوسته برنامه ریزان و سیاست‌گذاران را به فکر در مورد روش‌های جدید برنامه ریزی (برنامه ریزی طراحی محور) و تلاش برای بهبود نحوه آموزش برنامه ریزی در کشور سوق داده است. استفاده از ابزاری چون اسناد تکمیلی برنامه ریزی، دستورالعمل‌های طراحی شهری، چارچوب طراحی شهری و دستورکارهای توسعه و... در حال حاضر در نحوه برنامه ریزی و طراحی در کشورهای پیش‌رفته دنیا نقش بسزایی را ایفا می‌نمایند. مفاهیم تفکر برنامه ریزی طراحی محور به مقدار زیادی توسعه یافته و در حال حاضر در بسیاری از کشورها چون انگلستان و آمریکا در غالب برنامه‌های درسی برنامه ریزی شهری آموزش داده می‌شود.

همچنین برنامه ریزی در ایران نیز دست‌خوش اصلاحاتی در سال‌های اخیر شده است. در واقع این اصلاحات، به کاهش رویکرد نظارتی و ارتجاعی به نفع یک سیستم مبتنی بر عملکرد منجر خواهد شد. برنامه ریز طراحی محور به عنوان یک روش مبتنی بر عملکرد منعطف و فرصت‌بهتر برای عوامل توسعه در تعامل با سیستم برنامه ریزی را فراهم می‌کند. همچنین مزایای بسیاری چون پیامدهای خلاقانه طراحی، استفاده بهتر از منابع موجود و افق زمانی بسیار کوتاه‌تر را داراست. از جمله مزایای اصلی این رویکرد توجه همزمان به طراحان و برنامه ریزان شهری در مراحل مختلف طرح‌های توسعه شهری می‌باشد. از همین رو پژوهش انجام شده به منظور توسعه و ترویج استانداردهای بین‌المللی در آموزش و عمل برنامه ریزی و طراحی شهری، تأکید خاص بر پیاده‌سازی برنامه ریزی طراحی محور دارد.

در دوره آموزشی برنامه ریزی طراحی محور آشنایی توأمان با هر دو رشته‌ی برنامه ریزی شهری و طراحی شهری و آشنایی با مهارت‌ها، اصول، روش‌ها و ابزار این دو رشته ضروری است. به طور کلی رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور را می‌توان رویکردی میانی در حیطه‌ی برنامه ریزی و طراحی شهری برشمرد. به همین منظور لازم است با استفاده از ابزار رویکرد برنامه ریزی طراحی محور در سطوح آموزشی و حرفه‌ای شهرسازی، کمیت و کیفیت توسعه شهری را توأمان مدنظر قرار داد. فرایند آموزشی پیشنهادی برای سطوح محلی از ابزار چارچوب توسعه اجتماعات محلی برای هدایت و بازبینی طرح‌ها استفاده و در این نوع فرایند سیاست‌های طراحی از جمله ابزاری است که توسعه را هدایت و کنترل می‌کند. نتایج این پژوهش بر اساس چارچوب نظری تبیین شده بیان‌گر راهبردهایی در زمینه آموزش شهرسازی می‌باشد:

¹. Community Strategy

². Local development framework

- بازنگری و اصلاح ساختار آموزش شهرسازی و روزآمد نمودن آن در جهت پاسخگویی به نیازهای بومی و رهیافت‌های جدید علمی
- تغییر و بررسی برنامه‌ها، عناوین و محتوای دروس ارائه شده در آموزش شهرسازی در جهت تناسب کمیت و کیفیت مواد آموزشی با نیازهای توسعه شهری، برنامه ریزی شهری و طراحی شهری
- ایجاد ارتباط میان مبانی نظری برنامه ریزی و طراحی شهری در فرایند آموزشی شهرسازی کشور
- گسترش رویکرد آموزشی برنامه ریزی طراحی محور به منظور خارج شدن از شکل سنتی آموزش شهرسازی
- تقویت ارتباط، همبستگی و تطابق میان نظام آموزشی شهرسازی و حرفه‌ی شهرسازی
- بازنگری مستمر برنامه درسی در دوره‌های کارشناسی ارشد

مراجع

۱. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸)، تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
 ۲. بهزادفر، م (۱۳۸۲)، ضرورت‌ها و موانع ایجاد شهر هوشمند در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۵.
 ۳. حبیبی، م (۱۳۸۲)، برنامه ریزی از فرآیند تفکر تا تفکر اجتماعی، مجله بنا، شماره ۱۶ و ۱۷.
 ۴. رهنمایی، م و شاه حسینی، س. (۱۳۸۳) فرایند برنامه ریزی شهری در ایران، تهران، نشر سمت.
 ۵. کالن، گ. (۱۳۸۲) گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طبیبیان، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
 ۶. گلکار، ک. (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری، انجمن صنفی مهندسان معمار و شهرساز.
 ۷. گلکار، ک. (۱۳۷۸) کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
 ۸. عباس زادگان، م، رضوی، ح. (۱۳۸۵) اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۲۸.
 ۹. عباس زادگان، م. (۱۳۸۴) ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی فضاهای باز شهری، مجله بین‌المللی علوم مهندسی، تهران، شماره ۱.
 ۱۰. لنگ، ج. (۱۳۸۶) طراحی شهری-گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
 ۱۱. مدنی پور، ع. (۱۳۷۹) طراحی فضاهای شهری، نگرشی به فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 ۱۲. ویسی، ا و قیسوندی، ا (۱۳۹۰)، "شهر هوشمند، تکوین انقلاب شهری نوین؛ شهر الکترونیک، واقعیت شهرهای فردا"، کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۵.
 ۱۳. هدمن، ر و یازوفسکی، آ. (۱۳۸۱) میانی طراحی شهری، ترجمه رضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
14. Abbaszadegan , M. and Vahidian Sadegh , R., (2011), Developmental Framework
 15. of A Square, Mashhad, Iran, Due to its Growth, Design Principles and Practices: An International Journal, Volume 5, Issue 4, Aug , 2011.
 16. Albrecht, J. (1986) Developing Context and Purpose of Planning Champaign, IL (School of Architecture), University of Illinoise.
 17. Bentley, I. (1985), Responsive Enviroment: A Manual fore Designers, Architectural Press, London.
 18. Behrangi, M, et al. (2010), Report of External Evaluation, Department of Management and Educational Planning, University of Tehran
 19. Castells, M. (1976), The Urban Question London.
 20. Davidoff, P. (1965) Advocacy & Pluralism in Planning AIP Journal, Vol. 31, pp. 311-338.
 21. Carmona, M and Punter, J and Chapman, D. (2002), from Design Policy to Design Qualit, UCL & Cardiff University.
 22. Culling Worth, B. (1999), Town and Country Planning in UK, Rutledge, London,
 23. Carmona, M; et.al. (2006), Public Place ° Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design", New York, Elsevier.
 24. Davoudi, S. (2000) Sustainability: A New Vision for the British Planning System Planning Perspective, 15, pp. 123-137.
 25. DETR & CABE. (2000), By Design: Urban Design in the Planning System; Towards Better Practice, London, Thomas Telford.

26. Friedmann, J. (1992) Educating the New Generation of Planners Unpublished Paper, ACSP Conference, Columbus Ohio, p. 13.
27. Friedmann, J. (1996) The Core Curriculum in Planning Revisited Journal of Planning Education and Research, Vol. 15, No. 2, pp. 89-104.
28. Galloway, T. P. & Mahayni R. G. (1977) Planning Theory in Retrospect: The process of paradigm change , AIP Journal, Pp. 62-71.
29. Hall, P. (2000) The Century Of Modern Planning in Freestone, Robert, Urban Planning in a Changing World: The Twentieth Century Experience, London: E & FN Spon.
30. Harvey, D. (1973) Social Tice and City London.
31. Kaiser (1995) Twentieth Century Land Use Planning: A Stalwart Family Tree Journal of APA, 61 (3).
32. Mazza, K. & Rydin, R. (1996) Urban Sustainability: Actors, Discourses, Networks & Policy Tools , Progress in Planning.
33. Madanipour, A. (2003), Public and Private Urban Spaces, Spon Press.
34. Owen, S. E. (1994) Limits and Sustainability: A Conceptual Framework and some Dilemmas for the Planning System Transaction of the Institute of the British of the Geographers.
35. Overview of the history of 'urban design, (2002). refer to The Mayor's Institute on City Design in New York: Princeton Architectural Press.
36. Office of Deputy Prime Minister. Planning Policy Statement12, Local Development Framework", London, 2011/3/8, <http://www.odpm.gov.uk>.
37. Office of Deputy Prime Minister, Planning Policy Statement12, Creating Local Development Frameworks A Companion guide to PPS12, London, 2011/3/8, <http://www.odpm.gov.uk>
38. Perloff, H.S. (1957) Education for Planning: City, State and Regional Published for Resources for the future, Inc. Baltimore, The Johns Hopkins Press.
39. Perfect, M. (1997), Planning for Urban Quality", Rutledge, Taylor and Francis Group, London.
40. Rydin, Y. (1995) Sustainability Development and the Role of Land Use Planning Report.
41. Sandercock, L. (1999) Expanding the Language of Planning: A Meditation on Planning Education for the 21st Century European Planning Studies, Abingdon: Vol. 7, pp. 528-533.
42. Urban Task Force. (1999), Towards an Urban Renaissance", Department of Environment, Transportation and the Regions, London.